یک جرعه نور

همه‌چیز از احساس بی‌نیازی شروع می‌شود

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، آیات ۶ تا ۸ سوره مبارک علق (خون بسته) را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «**كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغَى؛ أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَى؛ إِنَّ إِلَى رَبِّكَ الرُّجْعَى**؛ نه چنین است؛ [که می‌پندارند] بی‌گمان آدمی طغیان می‌کند؛ چون خود را بی‌نیاز می‌بیند. همانا بازگشت همه به‌سوی پروردگار توست.»

خداوند متعال پس از اینکه فرمود انسان را به‌وسیله قلم تعلیم داده است، می‌فرماید: «ولی انسان به یاد گذشته خود نیست که خداوند او را آفرید و به او آموخت، پس باید بنده او باشد، بلکه به‌جای بندگی، طغیان می‌کند و مانع بندگی دیگران نیز می‌شود.»

این آیات یادآوری می‌کند که انسان، کم‌ظرفیت و ناسپاس است و پندار بی‌نیازی، او را مست می‌کند؛ یعنی به‌خاطر آنکه به غلط خود را بی‌نیاز می‌پندارد، دست به طغیان می‌زند. شاید ثروت داشته باشد و درست است که غنی بودن او کمال محسوب می‌شود، ولی خود را غنی دیدن، زمینه لغزش‌هاست. خداوند در ادامه، راهکار نلغزیدن آدمی را ایمان به معاد می‌داند؛ یعنی توجه به اینکه هرچه داریم، می‌گذاریم و می‌رویم. انسان و هستی، هدفدار و درحال حرکت به‌سوی خداست، پس نباید خود را بی‌نیاز بپنداریم.

اگر انسان ظرفیت نداشته باشد، یا ثروت او را مغرور می‌کند مثل قارون، یا قدرت او را مغرور می‌کند مثل فرعون، یا علم او را مغرور می‌کند مثل بلعم باعورا؛ ولی اگر ظرفیت باشد، هر سه ویژگی در یک نفر جمع می‌شود و مغرور نمی‌شود؛ چون همه را از خداوند می‌داند؛ مثل حضرت سلیمان(ع) که می‌گفت: «این از فضل پروردگارم است.» پس خطر آنجاست که انسان به خود بنگرد و از خداوند غافل شود.

حکمت

خودت را جای آدم‌های گذشته بگذار!

علیرضا وکیلی| حضرت امیرالمؤمنین(ع) در نامه ۳۱ نهج‌البلاغه، فرزندشان را به دیدن سرگذشت پیشینیان دعوت کردند، اما توصیه حضرت در همین جا تمام نمی‌شود. امام(ع) یک قدم جلوتر می‌روند و می‌گویند «فقط داستان گذشته را نشنو؛ خودت را درمیان آن تجربه‌ها قرار بده و از نزدیک ببین آدم‌هایی که قبل از تو زندگی کرده‌اند، چه کردند و سرانجامشان چه شد.»

حضرت می‌فرمایند: «**وَسِرْ فِي دِيَارِهِمْ وَآثَارِهِمْ، فَانْظُرْ فِيمَا فَعَلُوا، وَعَمَّا انْتَقَلُوا، وَأَيْنَ حَلُّوا وَنَزَلُوا**؛ در خانه‌ها و آثار آن‌ها سیر کن؛ ببین چه کردند، از چه چیزهایی کوچ کردند و اکنون کجا فرود آمده‌اند.» امام(ع) از یک مطالعه سطحی حرف نمی‌زند؛ می‌خواهد انسان عاقبت کارها را ببیند؛ مثلا وقتی از یک زندگی خانوادگی شکست خورده می‌شنویم، فقط نگوییم «آن‌ها مشکل داشتند.» ببینیم چه تصمیم‌هایی گرفتند که کارشان به آنجا رسید یا وقتی زندگی فردی موفق را می‌بینیم، فقط نتیجه را نبینیم؛ مسیر، صبر، انتخاب‌ها و حتی اشتباه‌هایش را نیز بررسی کنیم.

این نگاه برای جوان امروز خیلی مهم است. فضای مجازی معمولا فقط «نتیجه» را نشان می‌دهد؛ ماشین گران، کسب‌وکار موفق، زندگی پرزرق‌وبرق و سفرهای جذاب. اما پشت این تصویرها چه مسیری بوده است؟ چه شکست‌هایی، چه هزینه‌هایی و چه انتخاب‌هایی؟ اگر فقط ویترین را ببینیم، ممکن است برای رسیدن به تصویری که از زندگی دیگران ساخته‌ایم، تصمیم‌های عجولانه بگیریم.

حضرت امیرالمؤمنین(ع) بعد از این توصیه، حقیقتی تکان‌دهنده را یادآوری می‌کنند: «**فَإِنَّكَ تَجِدُهُمُ انْتَقَلُوا عَنِ الْأَحِبَّةِ، وَحَلُّوا دَارَ الْغُرْبَةِ، وَكَأَنَّكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ صِرْتَ كَأَحَدِهِمْ**؛ آن‌ها از کنار عزیزانشان کوچ کرده و در خانه غربت فرود آمده‌اند و گویا تو نیز به‌زودی یکی از آن‌ها خواهی شد.»

پیام پدرانه امام، روشن است: گذشته را طوری بخوان که انگار بخشی از آینده خودت را می‌بینی. آن‌وقت تاریخ دیگر مجموعه‌ای از اسم‌ها و اتفاقات نیست؛ تبدیل می‌شود به آیینه‌ای برای انتخاب‌های امروز تو.

احکام

بررسی تأثیر احتمال ضرر آبرویی بر وجوب نهی از منکر

سمانه رضوانی| یکی از پرسش‌های پرتکرار در زمینه وظیفه امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر این است که آیا صرف احتمال ضرر - هرچند غیرقطعی - برای ساقط شدن وجوب این عمل، کافی است یا خیر. به‌عبارت دیگر، اگر شخصی احتمال دهد که اقدام به نهی‌ازمنکر، سبب آبروریزی یا آسیب جدی به او می‌شود، آیا می‌تواند از انجام این وظیفه صرف‌نظر کند؟

شهید آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای

به‌طورکلی اگر احتمال عقلایی برای ضرر جانی یا آبرویی در امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر وجود داشته باشد، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، واجب نیست و تشخیص آن با مکلف است. البته مکلف، موظف است ملاحظه اهمیت را بکند؛ یعنی باید در تمام معروف و منکرها بین مفسده امر و نهی و مفسده ترک امر و نهی مقایسه کند و سپس به آنچه مهم‌تر است، عمل کند و تشخیص با خود مکلف است.

آیت‌الله‌العظمی ناصر مکارم شیرازی

اگر بداند یا خوف این باشد که امر یا نهی او، ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل‌توجه به او یا بعضی از مؤمنین می‌رساند، واجب نیست، ولی اگر معروف و منکر از اموری باشد که شارع مقدس اسلام، اهمیت زیادی به آن می‌دهد (مانند حفظ اسلام و قرآن و استقلال ممالک اسلامی یا حفظ احکام ضروری اسلام)، باید اعتنا به ضرر نکند و با بذل جان و مال در حفظ آن‌ها بکوشد.

آیت‌الله‌العظمی سید علی سیستانی

اگر ضرر جانی یا آبرویی و یا مالی به مقدار قابل‌توجه، شخص امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر یا افراد دیگر از مسلمانان را تهدید کند یا موجب مشقت و سختی شود که معمولا تحمل نمی‌شود، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر واجب نیست؛ مگر اینکه کار معروف و منکر به قدری نزد شارع مقدس، مهم باشد که باید در راه آن، ضررها و دشواری‌ها را تحمل نمود. به‌طورکلی در این‌گونه موارد، ضرری که متوجه فرد یا مسلمانان دیگر می‌شود، با خوبی و بدی آن عمل (معروفی که ترک یا منکری که انجام می‌شود)، از نظر درصد احتمال و اهمیت مورد آن، مقایسه و بررسی می‌شود و گاهی در صورت ضرر هم، وظیفه امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر ساقط نمی‌شود.

با حجت‌الاسلام‌والمسلمین عنایتی‌راد درباره منطق دینی مهریه و خطر تبدیل‌شدن آن به اهرم فشار در خانواده‌ها، گفت‌وگو کرده‌ایم

مهریه؛ نشانه مهر، نه میدان زورآزمایی

تصویر: حسین نیکخوی نوروزی | شهرآرا

گفت‌وگو

حسین ابراهیمی| مهریه در فرهنگ عمومی ما، گاه از یک حق و هدیه محترمانه در ازدواج، به ابزاری برای مقایسه خانواده‌ها، تضمینی برای آینده، ابزاری برای چانه‌زنی یا حتی اهرمی برای فشار در اختلاف‌های خانوادگی تبدیل می‌شود. در چنین وضعی، پرسش اصلی این است که نگاه دین به مهریه چیست و مهریه چه نسبتی با محبت، احترام و پایداری خانواده دارد. حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدهادی عنایتی‌راد، کارشناس معارف اسلامی در گفت‌وگو با شهرآرا، به این پرسش‌های مهم پاسخ داده است.

پیشکشی برای محبت، نه بهای زن

در ادبیات دینی، برای مهریه تعبیرهایی چون «نِحله» و «صداق» به‌کار رفته است؛ واژه‌هایی که نشان می‌دهند مهریه دراصل، هدیه و پیشکشی ازسوی مرد به همسر است. این هدیه، جدا از نفقه و دیگر وظایف اقتصادی مرد در زندگی، نشانه محبت، احترام و تعهد او به همسر دانسته می‌شود، بنابراین مهریه نه قیمت‌گذاری برزن است و نه جبران هزینه‌ای که خانواده دختر کرده‌اند. برخی سنت‌های پیش از اسلام، زن را بانگاه معامله‌محور می‌دیدند اما منطق اسلام، این نگاه را اصلاح کرد و مهریه را در جایگاه کرامت‌بخش خود نشاند. هرچه این معنا بیشتر در ذهن زوج‌ها و خانواده‌ها زنده شود، مهریه از تبدیل شدن به موضوع نزاع و معامله، دورتر می‌ماند.

سنتی که به سبک‌گرفتن، دعوت می‌کند

در منابع روایی، بر آسان گرفتن ازدواج و سبک بودن مهریه تأکید شده است. «مهرالسنه» که در گزارش‌های تاریخی درباره مهریه همسران پیامبر(ص) آمده، حدود پانصد درهم نقره ذکر شده است؛ البته این عدد به معنای نسخه‌ای یکسان و الزام‌آور برای همه زمان‌ها و همه خانواده‌ها نیست؛ زیرا شرایط اقتصادی، عرف جامعه و توان افراد تفاوت دارد.

اما جهت‌گیری روشن است؛ اینکه مهریه نباید به‌گونه‌ای تعیین شود که از آغاز، زندگی مشترک را با تعهدی دور از دسترس و اضطراب‌آور همراه کند. در روایات نیز از زنانی که مهریه سبک‌تری دارند، به‌نیکی یاد شده و آسانی در ازدواج، زمینه‌ای برای برکت زندگی دانسته شده است.

وقتی هدیه، ابزار رقابت می‌شود

مشکل از جایی آغاز می‌شود که مهریه از معنای اصلی خود فاصله می‌گیرد و به ابزار رقابت اجتماعی تبدیل می‌شود؛ اینکه خانواده‌ای مبلغ یا تعداد سکه‌ای را صرفا به این دلیل افزایش بدهد که «دیگران چنین کرده‌اند» یا منزلت دختر را با عدد مهریه بسنجد. گاهی نیز مهریه سنگین به‌عنوان چک سفیدامضا، بیمه ضدطلاق یا ابزار چانه‌زنی در آینده دیده می‌شود. این نگاه، پیش از آنکه امنیت بسازد، می‌تواند بذر بی‌اعتمادی را در ابتدای زندگی بکارد. ازدواجی که باید با تفاهم، احترام و امید شروع شود، اگر از ابتدا بر سنجش توان فشارآوردن به طرف مقابل بنا شود، از روح آرامش و مودت فاصله می‌گیرد.

ترس از فردا، تصمیم امروز را نسازد

یکی از انگیزه‌های رایج برای تعیین مهریه‌های سنگین، نگرانی خانواده‌ها از آینده دخترشان است؛ نگرانی از طلاق، مشکلات اقتصادی یا بی‌پناه ماندن او در سال‌های بعد. این نگرانی قابل‌فهم است، اما راه‌حل آن نباید قراردادی باشد که از همان ابتدا، قابلیت اجرا ندارد یا زمینه کدورت و سوءظن را فراهم می‌کند. امنیت یک زن در زندگی مشترک فقط با عدد مهریه تأمین نمی‌شود؛ انتخاب آگاهانه، تحقیق درست، گفت‌وگوی صریح، توجه به اخلاق و مسئولیت‌پذیری زوج و حمایت خانواده‌ها، پایه‌های مهم‌تری برای امنیت‌اند. مهریه متعادل نیز می‌تواند در کنار دیگر تدبیرهای قانونی و خانوادگی، جایگاه واقعی خود را حفظ کند؛ بی‌آنکه به مانعی برای تشکیل یا دوام زندگی تبدیل شود.

توان واقعی، معیار تعهد

تعهدی که از ابتدا روشن است خارج از توان فرد است، نه منطقی است و نه به استحکام خانواده کمک می‌کند. در تعیین مهریه، توان مالی داماد در زمان ازدواج و چشم‌انداز متعارف زندگی او باید واقع‌بینانه دیده شود. معنای این سخن، نادیده‌گرفتن حق زن نیست، بلکه توجه به این واقعیت است که حق، هنگامی بهتر تأمین می‌شود که امکان اجرای آن نیز وجود داشته باشد. زوج‌ها و خانواده‌ها باید پیش از عقد، درباره مسائل مالی و مهریه صریح، محترمانه و عاقلانه گفت‌وگو کنند. پذیرفتن تعهدی که فقط روی کاغذ قابل قبول است اما در واقعیت هیچ نسبتی با توان فرد ندارد، می‌تواند بعدها به اختلاف، فرسایش اعتماد و پرونده‌های قضایی بینجامد.

مهلت دادن به ناتوان؛ یک اصل قرآنی

در آموزه‌های قرآن کریم، درباره بدهکاری که توان پرداخت ندارد، دستور به مهلت‌دادن آمده است: «**وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ**» یعنی اگر بدهکار در تنگناست، باید تا زمان گشایش به او مهلت داده شود.

این اصل اخلاقی و قرآنی، نشان می‌دهد که در مواجهه با ناتوانی واقعی مالی، باید میان فردی که از پرداخت، سر باز می‌زند و فردی که واقعا توان پرداخت ندارد، تفاوت گذاشت. البته جزئیات حقوقی و قضایی پرونده‌های مهریه، تابع قوانین و تشخیص مراجع ذی‌صلاح است اما در سطح فرهنگی، روشن است که تعیین تعهدهای غیرواقعی و سپس انتظار اجرای آن‌ها، نه با عقلانیت سازگار است نه به کاهش آسیب‌های خانواده کمک می‌کند.

از زورآزمایی تا آرامش خانوادگی

مهریه سنگین، اگر به اهرم تهدید در زندگی تبدیل شود، هم احترام متقابل را آسیب می‌زند و هم محبت را. زن و مرد در خانواده باید مایه آرامش، پناه و کرامت یکدیگر باشند؛ نه دو طرف یک رقابت پنهان برای اعمال فشار. خانواده‌ای که از ابتدا با ذهنیت زورآزمایی شکل بگیرد، دربرابر اولین اختلاف‌ها شکننده‌تر خواهد بود. راه بازگشت، احیای معنای اصیل مهریه است: هدیه‌ای متناسب با توان، نشانه‌ای از احترام و تعهد و نه ابزاری برای تحقیر، ترساندن یا معامله کردن. خانواده‌های متدین نیز می‌توانند در این زمینه پیش‌قدم شوند و با انتخابی واقع‌بینانه، راه ازدواج را برای جوانان، آسان‌تر و زندگی مشترک را به مودت و آرامش، نزدیک‌تر کنند.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدهادی عنایتی‌راد:
تعهدی که از ابتدا روشن است خارج از توان فرد است، نه منطقی است و نه به استحکام خانواده کمک می‌کند. در تعیین مهریه، توان مالی داماد در زمان ازدواج و چشم‌انداز متعارف زندگی او باید واقع‌بینانه دیده شود

درنگ

مهریه؛ نشان تعهد و محبت یا بهای رهایی؟

سید حمیدرضا حسینی دانشور
مدرس حوزه پژوهشگر علوم رفتاری

تکیه‌کلام‌های رایج در هر جامعه، آیینه ناخودآگاه جمعی آن فرهنگ‌اند؛ درست شبیه مَثَل تلخ و مستأصلانه «مهرم حلال، جانم آزاد» که عبارتی پرتکرار در تعارضات خانوادگی است؛ گزاره‌ای که فراتر از یک بن‌بست عاطفی، پرده از انحرافی بنیادین در فلسفه ازدواج و نهاد خانواده برمی‌دارد. این بحران، محصول تمرکز و پایبندی صرف بر جنبه‌های ظاهری و حقوقی ازدواج و غفلت از روح اخلاقی آن است؛ جایی که «مهریه» در فرهنگ عرفی، از نماد قدسی مهر و صدق، به «اهرم فشار» و نهایتا «بهای بازخرید آزادی» تبدیل شده است.

وارونگی یک حکمت قدسی

آیه ۴ سوره مبارک نسا به‌عنوان پشتوانه قرآنی حکم وجوب مهریه می‌فرماید: «**وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً...**» در اینجا دو واژه کلیدی آمده است که حکمت این حکم را نیز می‌رساند: «صَداق» (از ریشه صدق) برای بیان این معناست که مهریه، گواه راستی مرد در ابراز محبت و تعهد به ساخت حریم امن زندگی است و «نحله» به معنای هدیه‌ای خالصانه، پیشکش شده و بلاعوض است که با نیت تکریم و ایجاد آرامش روانی در آغاز پیوند اعطا می‌شود. اما در دهه‌های اخیر، شاهد تحولاتی بودیم که این «پیشکش عاطفی و نقد» را با یک «تعهد مالی نجومی و نسیه» جایگزین کرد و خانواده‌ها، البته با نیتی خیر اما با شیوه‌ای ناکارآمد، مهریه‌های سنگین را به‌عنوان «بیمه طلاق» و «تضمین بقای زندگی» برگزیدند غافل از اینکه امنیت رابطه، با منطق بدهکار - بستانکار شکل نمی‌گیرد.

کالبدشکافی چرخه بحران

پس از آنکه مهریه از کارکرد اولیه خود که همان انتقال حس تعهد و محبت خالصانه است خالی شد، خانواده از همان ابتدا در معرض دو عارضه جدی قرار می‌گیرد؛ نخست آنکه به‌دلیل پرداخت نشدن در همان ابتدا، نه‌تنها اثر مهرآفرین آن در آغاز زندگی رخ نمی‌دهد، بلکه شبح یک دِین سنگین نیز بر گوشه‌ای از ذهن و روان مرد باقی می‌ماند. همچنین در هنگام بروز اندک اختلافی، مهریه این ظرفیت را دارد که تبدیل به سلاح مطالبه زن و متقابلا ابزار لجاجت مرد شود و درنتیجه این تحول، حتی حکم فقهی «طلاق خُلع» (جدایی زن با بذل مال در شرایط کراهت شدید) که به‌عنوان یک سازوکار اطمینان‌بخش برای استیفای عادلانه حقوق زن در هنگام اختلاف، وضع شده است نیز، به سهم خود فرایندی فرسایشی را ایجاد می‌کند که درنهایت، باید برای رهایی از گروگان‌گیری عاطفی و حقوقی، فریاد «مهرم حلال، جانم آزاد» سر دهد.

نقشه راه حل مسئله

بازگرداندن مهریه به جایگاه اصیل و کارکرد آرامش‌بخش آن، نیازمند سه اقدام هم‌گام و هم‌زمان ازسوی دستگاه‌های فرهنگی و تبلیغاتی، نهادهای حاکمیتی و از همه مهم‌تر، خود خانواده‌هاست:

اصلاح گفتمان فرهنگی: نخبگان و تریبون‌های دینی باید تبیین کنند که دوام پیوند زناشویی، ثمره «حُسن معاشرت» و تقوا در سایه بندگی خداست. ثمره هزاران ساعت کلاس درس و چندین واحد آموزش مدیریت خانواده و سبک زندگی، باید جوانان را به این باور برساند که ضامن حقیقی تحکیم و تعالی خانواده، بلوغ شخصیتی، تقوای رفتاری و مکارم اخلاقی است، نه ارقام خیالی در عقدنامه‌ها؛

تفکیک حقوق مالی از مهریه عاطفی: اگر با نگاهی منصفانه به موضوع بنگریم، بخشی از این تغییر فرهنگ و پناه‌بردن به مهریه‌های نجومی به تصور تضمین بقای زندگی، واکنشی است که جامعه به خلأهای حمایتی و امنیت اقتصادی زنان مطلقه نشان داده است، بنابراین باید با راهکارهایی نظیر احیای حقوق مالی واقعی زوجه (مانند سهم زن در دارایی‌های حاصل‌شده در دوران مشترک، از طریق شروط ضمن عقد شرعی و تقویم واقعی اجرت‌المثل) و توسعه بیمه‌های حمایتی زنان خانه‌دار و... نیازهای امنیتی اقتصادی زن در مسیرهای قانونی مستقل از «مهریه»، تعریف شود تا این سنت حسنه بتواند در جایگاه واقعی‌اش، همان هدیه متناسب با توان در آغاز زندگی باشد و بماند؛

ترویج فرهنگ «طلاق باکرامت»: طلاق هرچند «مبغوض‌ترین حلال» در اسلام است، سازوکاری کرامت‌بخش دارد: «**فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ**» (بقره/۲۲۹)؛ یعنی جدایی نیز باید بر مدار مروت و ادای منصفانه حقوق باشد. قرآن کریم با فرمان «**وَلَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ**» هشدار می‌دهد که پایان یک رابطه پس از سال‌ها خاطره خوب، نباید به میدان انتقام‌جویی، افشای اسرار و گروگان‌گیری فرزندان بدل شود. اینجاست که نقش محوری خانواده‌ها و ریش‌سفیدان آشکار می‌شود؛ ورود دلسوزانه‌ای که می‌تواند مانع غرق‌شدن اخلاق، انصاف و حرمت سال‌ها زندگی مشترک، در گرداب لجاجت و انزجار شود.